

## تصوف در الجزایر و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

سید مجتبی موسوی<sup>۱</sup>

دانش آموخته کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای (گرایش آفریقا)، دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران

میثم میرزائی تبار<sup>۲</sup>

استادیار جغرافیای سیاسی، گروه مطالعات ژئوپلیتیک، مرکز مطالعات آفریقا، دانشگاه تربیت مدرس، تهران  
تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۶ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۱۳

### چکیده

تصوف یکی از جلوه‌های عرفان در میان مسلمانان است. جمعیت قابل توجهی از پیروان اسلام در شمال آفریقا را اهل تصوف تشکیل می‌دهند که بسیاری از آنها علاقه‌مند به سیره اهل بیت (ع) و دارای قرابت فکری و اعتقادی به مذهب شیعه هستند. یکی از این کشورها، الجزایر است که دین رسمی آن، اسلام و مذهب مردم، اهل سنت است. تصوف از قرن ۱۲ میلادی به الجزایر راه یافت و از قرن ۱۶ میلادی و همزمان با رشد تصوف در شمال آفریقا، پیروان آن افزایش یافت. تصوف در الجزایر در برخی ابعاد سیاسی و فرهنگی، دیدگاه‌های موافقی با جمهوری اسلامی ایران دارد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و میدانی درصدد شناخت تصوف در الجزایر و بررسی نسبت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با طریقت‌ها و سازمان‌های صوفی در این کشور است. نتایج نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر، دولت الجزایر با حمایت از تصوف و نشر آموزه‌های آن، برای مقابله با سلفی‌گری و تروریسم استفاده کرده است. تصوف از مقبولیت نسبی در الجزایر برخوردار است و برخی گروه‌های صوفیه دیدگاه مثبتی نسبت به جمهوری اسلامی ایران داشته و تمایل به تعامل با ایران دارند. لذا ایران در سیاست خارجی می‌تواند از این فرصت بهره‌گیری کند.

### واژگان کلیدی

تصوف، الجزایر، جمهوری اسلامی ایران، سیاست خارجی.

1. E-mail: mojtaba.mo@gmail.com

2. E-mail: m.mirzaeitabar@modares.ac.ir

## مقدمه

بخشی از جمعیت مسلمانان در شمال آفریقا را اهل تصوف تشکیل می‌دهند که عمدتاً علاقه‌مند به اهل بیت (ع) و دارای قرابت فکری و اعتقادی به تشیع هستند. تصوف با ایجاد ساختار سازمانی، قرن‌ها است که خود را حفظ کرده و در جوامع مسلمان نقش آفرین است. الجزایر یکی از کشورهای واقع در شمال آفریقا است که بخشی از جمعیت مسلمانان آن را پیروان تصوف تشکیل می‌دهند. آمار دقیقی از تعداد صوفی‌ها در الجزایر در دست نیست اما بررسی تاریخی فعالیت‌ها و اقدامات این گروه در الجزایر نشان می‌دهد که پس از نقش آفرینی اهل تصوف در مقابله با اقدامات استعماری غرب و در واقع پایان گرفتن استعمار در این کشور، مواجهه دولت در الجزایر با گروه‌ها و سازمان‌های صوفی به دو صورت ابتدا مخالفت و معارضت و سپس حمایت از این گروه‌ها بوده است. بیشترین حمایت از اهل تصوف مربوط به دوران ریاست جمهوری عبدالعزیز بوتفلیقه است. وی امکانات و زمینه‌های خوبی را برای فعالیت اهل تصوف و ترویج اندیشه آن‌ها فراهم کرد و اهل تصوف موقعیت خوبی را در کشور به دست آوردند. البته تأثیرات منفی نیز بر وجهه و محبوبیت مردمی صوفی‌ها در این کشور داشت.

بررسی‌ها نشان داده است که در ایران شناخت و ارتباط با اهل تصوف در شمال آفریقا و به طور خاص در کشور الجزایر بسیار محدود است و شناخت مناسب و درستی از اهل تصوف، به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی بزرگ در شمال آفریقا و الجزایر شکل نگرفته است. به نظر می‌رسد، عواملی همچون وجود برخی ابهامات و موانع فقهی، عدم شناخت صحیح از طریقت‌های مختلف صوفیه در الجزایر و نبود مطالعات کافی در این زمینه موجب شده است تا دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ارزیابی دقیقی از ظرفیت اهل تصوف در شمال آفریقا و الجزایر نداشته باشد.

با در نظر داشتن ضعف‌های مطالعاتی که درباره شناخت اهل تصوف و وضعیت کنونی آن‌ها در الجزایر در ایران وجود دارد و همچنین با توجه به ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های حضور پیروان این گروه در الجزایر و نقش آن‌ها در توسعه هر چه بیشتر روابط ایران و الجزایر در ابعاد مختلف، ضرورت دارد تا اهل تصوف الجزایر و نسبت آن‌ها با سیاست خارجی جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و بررسی‌های میدانی با استفاده از روش مصاحبه و طراحی و توزیع پرسشنامه در صدد شناخت اهل تصوف در الجزایر و بررسی نسبت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با طریقت‌ها و سازمان‌های صوفی در این کشور است.

## ۲- مبانی نظری

### ۲-۱- تصوف

در ارتباط با مفهوم «تصوف» تاکنون تعاریف مختلفی ارائه شده است و اجماع کامل و واحدی میان صاحب‌نظران در این زمینه وجود ندارد. با وجود این، تصوف یک مذهب خاص و منظم و محدود نیست و یک طریقه التقاطی است که از به هم آمیختن عقاید و افکار گوناگون به وجود آمده و به همین جهت، حد و حصری ندارد و در قرون و اعصار با مقتضیات و شرایط و افکار هر دوره تغییر شکل داده است (عمیدزنجانی، ۱۳۴۶: ۱۷۳-۱۷۲). در واقع، تصوف در معنای اصطلاحی، یکی از شعبه‌ها و جلوه‌های عرفان است. عده‌ای عرفان را جنبه علمی و ذهنی تصوف، و تصوف را جنبه عملی عرفان می‌دانند. اهل عرفان هرگاه با عنوان فرهنگی یاد شوند با عنوان «عرفا» و هرگاه با عنوان اجتماعی شان یاد شوند غالباً با عنوان «متصوفه» یاد می‌شوند. عرفا و متصوفه یک انشعاب مذهبی در اسلام تلقی نمی‌شوند و خود نیز مدعی چنین انشعابی نیستند و در همه فرق و مذاهب اسلامی حضور دارند، با وجود این، یک گروه وابسته و به هم پیوسته اجتماعی هستند (مطهری، ۱۳۷۸: ۸۴).

## ۲-۲- کشور الجزایر

الجزایر با نام رسمی جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر، کشوری واقع در شمال قاره آفریقا در ساحل دریای مدیترانه است. پایتخت و پرجمعیت‌ترین شهر این کشور، الجزیره است. این کشور با وسعت ۲،۳۸۱،۷۴۱ کیلومتر مربع، وسیع‌ترین کشور قاره آفریقا و مدیترانه و دهمین کشور وسیع جهان است. ۹۰ درصد وسعت سرزمینی آن، بیابانی است. الجزایر از شمال شرق با تونس، از شرق با لیبی، از غرب با مراکش، از جنوب غرب با صحرای غربی، موریتانی و مالی، در جنوب شرق با نیجرو از شمال با دریای مدیترانه هم‌مرز است (International Business Publications, 2019: 11). مردم الجزایر از نظر نژادی، ۹۹ درصد عرب-بربر و ۱ درصد اروپایی و غیره و از نظر دین و مذهب، ۹۹ درصد مسلمان اهل سنت و ۱ درصد مسیحی و یهودی هستند. اسلام دین رسمی این کشور است. زبان مردم عربی، فرانسوی و بربر و زبان رسمی نیز عربی است (Ibid: 31). از نظر شمار جمعیت، براساس آخرین آمارها در سال ۲۰۱۹ میلادی، جمعیت الجزایر ۴۳،۴۵۲،۳۶۲ نفر برآورد شده است (World Population Review, Algeria Population).

## ۲-۳- روابط الجزایر و ایران

آغاز روابط ایران و الجزایر به قبل از وقوع انقلاب اسلامی در ایران بر می‌گردد. پس از استقلال الجزایر در سال ۱۹۶۲ میلادی/۱۳۴۱ شمسی، دولت وقت ایران استقلال این کشور را به رسمیت شناخت. حکومت پهلوی در اوایل مهر ۱۳۴۳ اقدام به تأسیس نمایندگی و اعزام سفیر به الجزایر کرد. دولت الجزایر نیز در اسفند ۱۳۴۵ وزیر قبلی فرهنگ این کشور را به تهران فرستاد تا مقدمات افتتاح سفارت در ایران را فراهم کند که در نهایت در سال ۱۳۵۳ و با چند سال تأخیر، سفارت الجزایر در تهران تأسیس شد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و الجزایر همچنان در ابعاد مختلف تداوم یافت (مجیدی سورکی، ۱۳۷۵: ۱۰۱-۹۷). روابط دو کشور به

جز در بازه زمانی اواخر دهه ۱۳۶۰ تا سال ۱۳۷۱ که به دلیل برخی مسائل سیاسی رو به تیرگی نهاد و قطع شد، در مابقی سال‌ها و تاکنون در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، علمی و اقتصادی به صورت مسالمت‌آمیز ادامه داشته است. در مجموع، روابط ایران و الجزایر از ابتدا تاکنون در سطح خوبی و با حداقل تنش پیگیری شده است.

### ۳- یافته‌های تحقیق

#### ۳-۱- تصوف در الجزایر

تصوف از قرن ۱۲ میلادی (۶ هجری) به الجزایر راه یافت اما از قرن شانزدهم و همزمان با رشد تصوف در شمال آفریقا، شمار طریقت‌ها و پیروان تصوف در این کشور نیز بیشتر شد. یکی از طرق بزرگ صوفیه در الجزایر، تیجانیه است که توسط احمد بن محمد التیجانی ایجاد شد. طرق صوفیه از جمله تیجانیه از نیروهای اصلی در مقابل استعمارگری فرانسه در الجزایر بودند. رهبران صوفی نقش کلیدی را در جنبش ضد استعماری این کشور ایفا کردند. در اوایل قرن نوزدهم میلادی، الجزایر شاهد شکل‌گیری یکی از اولین جنبش‌های مقاومت به رهبری امیر عبدالقادر، شیخ طریقت قادریه، دیگر طریقت فراگیر این کشور بود. این جنبش در سال ۱۸۳۴ به توافق با دولت فرانسه رسید و عبدالقادر کنترل بخش‌های غربی الجزایر را در دست گرفت. نبرد وی با استعمارگران ادامه یافت که در نهایت، فرانسوی‌ها وی را در سال ۱۸۴۷ دستگیر کردند. در منطقه قبائل و زیبان، طریقت رحمانیه رهبری مبارزات ضد استعماری را بر عهده داشت. در شرق الجزایر، طریقت سنوسیه به حدی قدرت گرفت که توانست کشور امروزی لیبی را بنیانگذاری کند و همانند قادریه و رحمانیه در الجزایر، هسته مقاومت مسلحانه علیه استعمار ایتالیا را شکل دهد. در مجموع، اغلب قیام‌هایی که در قرن نوزدهم در الجزایر شکل گرفت توسط طریقت‌های صوفی برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی و اجرا می‌شد (Khemissi and Others, 2012: 549).

مقاومت در مقابل استعمار فرانسه تا اوایل قرن بیستم ادامه یافت. شیوخ صوفی برای تداوم مبارزه علیه استعمار بر افزایش ایمان و تقوای الجزایری‌ها تاکید داشتند.

زیرا استعمار علاوه بر دست اندازی به منابع این کشور، در پی تهاجم به سبک زندگی و اندیشه مسلمانان نیز بود. لذا شیوخ صوفی تقویت ایمان مردم را بخشی از مبارزه علیه استعمار می‌دانستند (Muedini, 2012: 207).

با شکست استعمار و استقلال الجزایر، نفوذ سلفی‌ها در این کشور افزایش یافت و صوفی‌ها به تدریج قدرت را در حوزه‌های مختلف از دست دادند. این اتفاق در جریان ۱۰ سال جنگ داخلی الجزایر در فاصله سال‌های ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۲ میلادی، تشدید و فعالیت گروه‌های اسلام‌گرا اعم از سلفی و صوفی به شدت محدود شد. در این شرایط، اگرچه شیوخ صوفی نفوذ بسیار محدودی در ساختار حاکمیت داشتند اما طریقت‌های صوفی همچنان به طور گسترده در الجزایر حضور داشته و به عنوان یک نهاد مهم دینی فعالیت می‌کنند (Andezian, 2002).

### ۳-۲- حضور اجتماعی - سیاسی اهل تصوف الجزایر

عبدالعزیز بوتفلیقه، رئیس‌جمهور سابق الجزایر از زمان روی کار آمدن در سال ۱۹۹۹ اگرچه با عفو عمومی تمامی گروه‌های مسلح، سلفی‌ها و وهابیون را نیز آزاد گذاشت اما سیاست حمایت و تشویق تصوف را به عنوان جایگزینی مقابل سلفی‌ها در پیش گرفت. وی در انتخابات به دنبال کسب حمایت صوفیان بود و طریقت‌های صوفیه نیز از وی در انتخابات مختلف حمایت کردند. این حمایت دوجانبه ادامه‌دار بود. بوتفلیقه معتقد بود که طریقت‌های صوفی جایگزینی مسالمت‌جو در برابر خشونت‌طلبی‌های القاعده و گروه‌های مشابه هستند. از این رو، در تمام دوره‌های ریاست جمهوری، همواره تصوف را تأیید کرده است (Khemissi and Others, 2012: 547).

الجزایر مانند برخی کشورهای اسلامی دیگر، در تلاش برای مقابله با گسترش تفکر سلفی‌گری، از طریق نشر و تبلیغ تصوف در جامعه است. دولت الجزایر مشوق صوفیان در به عهده گرفتن سرپرستی ایتام، آموزش قرآن و توزیع صدقات است.

تصوف در این کشور از سابقه طولانی تری نسبت به سلفی گری برخوردار است و سلفی گری، اندیشه‌ای وارداتی محسوب می‌شود (Chikhi, 2009).

بوتفلیقه از اواخر ۲۰۰۰ میلادی ساخت مساجد بزرگ در شهرهای مختلف و جلب همکاری طریقت‌های صوفی، به ویژه طریقت تیجانیه را آغاز کرد تا از این طریق، بر جریان دینی کشور نیز مسلط باشد. تیجانیه از حامیان حزب بوتفلیقه یعنی جبهه آزادی‌بخش ملی است. دولت الجزایر همچنین پس از وقوع و افزایش خشونت‌ها در این کشور اقدام به تأسیس شبکه تلویزیونی و رادیویی برای ترویج تصوف کرد. شیوخ صوفی نیز به صورت منظم در این شبکه سخنرانی می‌کنند. دولت معتقد است که زوایای صوفیه می‌توانند با ارائه خدمات اجتماعی، نقش خود را در جامعه مدنی افزایش داده و به تلطیف فضای جامعه و مقابله با افراط‌گرایی کمک کنند. از سال ۲۰۱۰ میلادی، دولت الجزایر اقدام به برنامه‌ریزی و برگزاری مراسم‌هایی شامل سخنرانی و سمینارهایی در جهت ترویج تصوف و در حمایت از اعتدال‌گرایی و مبارزه با افراط‌گرایی کرد. وزارت امور مذهبی این کشور نیز برای ارائه مجوز به صوفیان برای توزیع کتب و محصولات چندرسانه‌ای در مدارس و مساجد اعلام آمادگی کرد. مشوق‌های اقتصادی و سیاسی موجب شد تا برخی طریقت‌های صوفیه به دنبال جذب حمایت‌های دولتی باشند و برای کسب منابعی همچون کمک برای ساخت و توسعه زاویه، حمایت رسانه‌ای، دریافت نقش‌های دولتی مانند مشارکت در امور گردشگری و رویدادهای هنری با یکدیگر رقابت کنند. در حالی که دولت الجزایر بر این باور بود که این اقدامات زمینه جذب جوانان به تصوف را فراهم می‌کند (Muedini, 2012: 207)، اما برخی صاحب‌نظران معتقدند که حمایت‌های دولتی و بهره‌گیری سیاسی از صوفیه موجب شده است تا جوانان الجزایری نسبت به تصوف بدبین شوند (Sakthivel, 2017).

برخورد دولت الجزایر با «جبهه نجات اسلامی» در انتخابات سال ۱۹۹۲ میلادی و وقوع جنگ داخلی ۱۰ ساله در این کشور موجب شد تا جوانان الجزایری نه تنها

اعتماد و امید خود به احزاب و فرآیندهای سیاسی را از دست دهند، بلکه از تمایل آنها به مشارکت در گروه‌های اسلامی و طریقت‌های صوفی نیز کاسته شود. نتایج یک مطالعه در سال ۲۰۱۱ میلادی در الجزایر نشان داد که جوانان الجزایری به مسلمان بودن خود افتخار می‌کنند و نگاه مثبتی نسبت به تصوف دارند. با وجود این، اعتماد و تمایل چندانی به حضور در احزاب سیاسی و سازمان‌های صوفی و مشارکت در برنامه‌های آنها ندارند. این موضوع برخلاف نتایج نظرسنجی مشابه دهه ۱۹۹۰ میلادی و هم‌زمان با پیروزی جبهه نجات اسلامی در انتخابات پارلمانی است. اعتبار و ارزش تصوف در الجزایر مدت‌ها از سوی سلفی‌ها، وهابی‌ها و حتی دولت این کشور مورد حمله قرار گرفته بود، لذا نهاد اجتماعی تصوف در این کشور تضعیف شد (Khemissi and Others, 2012: 553-554). در عین حال، به اعتقاد برخی صاحب‌نظران، عمده الجزایری‌ها تصوف را ناقض دستورات فقه اسلامی و نوعی بدعت می‌دانند و همین مخالفت‌های مردمی با تصوف باعث شده است تا دولت در تلاش‌های خود برای ترویج تصوف، به جای استفاده از واژه «تصوف» از «اسلام سنتی» استفاده کند. بسیاری، ترویج تصوف از سوی دولت الجزایر را تلاشی برای مقابله با مذهب مالکی و مخالف سنت پیامبر اسلام (ص) می‌دانند (Sakthivel, 2016).

ویش ساختیول<sup>۱</sup>، کارشناس مسائل شمال آفریقا در تحلیلی برای موسسه هودسن می‌نویسد: «یک دهه ناامنی و کشتار در الجزایر موجب شد تا نگاه مردم این کشور به سیاست، دین و قیام و انقلاب تغییر کرده و محتاطانه‌تر شود و "اسلام مورد تأیید دولت" را به جریان‌های اسلام‌گرا ترجیح دهند. در این شرایط، طریقت‌های صوفی از نقش‌آفرینی سیاسی بیشتری در الجزایر برخوردار شدند و توانستند نقش مهمی را در اقدامات دولت برای مدیریت اسلام سیاسی ایفا کنند.» وی در ادامه

1. Vish Sakthivel

آورده است: «شبکه‌های تصوف و به خصوص زوایای صوفیه در مناطق روستایی به مشروعیت‌سازی برای سیاست‌های دولت و تشویق مردم به مشارکت در انتخابات کمک کردند. در برخی موارد حتی آنها به عنوان کانال‌هایی برای خدمت‌رسانی دولت مورد استفاده قرار گرفتند. دولت الجزایر همچنین با هدف گسترش نفوذ و قدرت منطقه‌ای خود، از تاریخچه و شبکه‌های صوفیه به منظور برجسته کردن پیوندهای دینی و تاریخی خود با کشورهای همسایه بهره گرفت. این کشور با تشکیل «مجمع علمای ساحل» در سال ۲۰۱۳ میلادی بر حضور تاریخی تصوف در الجزایر و به ویژه، نقش تیجانیه در این کشور تأکید کرد. از سوی دیگر، دولت الجزایر کوشید با این سیاست‌ها حمایت مردمی را از احزاب اسلام‌گرا به سوی طریقت‌های صوفی جلب کند. همین امر نیز موجب شد تا بسیاری از احزاب اسلام‌گرا همچون «جنبش اجتماع برای صلح» تصوف را دشمن خود تلقی کنند» (Sakthivel, 2017).

احزاب و مراقد صوفیه بخش مهمی از تبلیغات نامزدهای انتخابات مختلف در الجزایر هستند و حتی برخی ادعا می‌کنند که احزاب صوفیه با حمایت از حزب مورد تأیید دولت، کمک‌های مالی دریافت می‌کنند. از سوی دیگر، گذشته از رویکردی که برخی سیاستمداران برای استفاده از تصوف به عنوان نیرویی علیه گروه‌های تندروی اسلامی به کار می‌گیرند، دولت الجزایر پا را فراتر گذاشته و به احزاب صوفی به عنوان یک متحد احتمالی برای پیشبرد اهداف سیاست داخلی و روابط خارجی با کشورهای مسلمان نگاه می‌کند (Muedini, 2012: 75). دولت الجزایر ابتدا با امید به کاهش چالش‌های خود، از صوفیان به عنوان گروهی «غیرسیاسی» حمایت می‌کرد و امید داشت تا با استفاده از اهل تصوف، با گروه‌های سیاسی اسلام‌گرایی که تهدیدی برای بوتفلیقه محسوب می‌شدند، مقابله کند.

برخی ناظران نیز این احتمال را مطرح می‌کنند که دولت الجزایر با حمایت از صوفیان قصد ایجاد اختلاف و چنددستگی میان مردم را دارد تا دولت از اقدامات و

خطرات احتمالی اتحاد آنها، در امان بماند (Ibid: 76).

### ۳-۳- روابط خارجی اهل تصوف الجزایر

با وجود نقش جدی اهل تصوف و طریقت‌های صوفیه در مبارزات استعماری، برخی شخصیت‌های برجسته صوفی نیز روابط خوبی با قدرت‌های خارجی داشتند. برخی رهبران تیجانیه در الجزایر، در قرن بیستم روابط خود با فرانسوی‌ها را حفظ کرده بودند. «سیدی بنامور»، یکی از شخصیت‌های برجسته تیجانیه بود که با فرانسوی‌ها ارتباط داشت و آنها نیز به او اجازه داده بودند تا با سفر به نقاط مختلف شمال آفریقا، دیدگاه دیگر پیروان تیجانیه را نسبت به فرانسه تغییر دهد.

از سوی دیگر، الجزایر همواره در تلاش بود تا از تصوف به عنوان نقطه اشتراک خود با کشورهای منطقه ساحل یعنی سودان، چاد، نیجر، مالی، موریتانی، نیجریه، بورکینافاسو، سنگال و اریتره استفاده کند و به همین دلیل نیز در سال ۲۰۱۳ میلادی نهادی را با عنوان «مجمع علمای ساحل» تشکیل داد تا دوره‌ها و تبادل‌های آموزشی میان الجزایر و دانشجویان آفریقایی منطقه ساحل و زیر صحرای ایجاد کند. این ابتکار را می‌توان در چارچوب رقابت مراکش و الجزایر بر سر نفوذ در منطقه ساحل نیز دید (Sakthivel, 2017).

### ۳-۴- دیدگاه مردم الجزایر درباره تصوف و جمهوری اسلامی ایران

در مطالعه میدانی و در قالب گفتگو با پیروان و شیوخ اهل تصوف در الجزایر، «شیخ عبدالله بن مولی الحسن الرقانی»، امام زاویه «الزیانیه» این کشور ضمن تأکید بر ارادت صوفیان به اهل بیت (ع) گفت: «عمده صوفیان الجزایر نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران و نقش رهبری که این کشور در جهان اسلام ایفا می‌کند، افتخار می‌کنند.» وی همچنین با اشاره به فعالیت‌های تبلیغی سلفی‌ها در الجزایر، تأکید کرد: «این تبلیغات به خصوص در مناطق جنوبی الجزایر تأثیر زیادی نداشته و شمار مساجد صوفیه همچنان از سلفیه بیشتر است». این شیخ صوفیه در پاسخ به

سوالی درباره چگونگی تقویت روابط ایران و اهل تصوف الجزایر، به «تمایل صوفیان الجزایری برای اعزام به ایران و تحصیل در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه این کشور» اشاره کرد (شیخ عبدالله بن مولی الحسن الرقانی، شهریور ۱۳۹۵).

در گفتگو با شماری از حاضران در مسجد و مرقد «عبدالرحمان الثعالبی»<sup>۱</sup>، واقع در بخش قدیمی الجزیره پایتخت الجزایر، کمتر از ۱۰ درصد از مصاحبه‌شوندگان خود را صوفی و پیرو یکی از طرق صوفیه معرفی کردند. با وجود این، عمده آن‌ها اگرچه خود را صوفی نمی‌دانستند اما تأکید داشتند که قائل به احترام به بزرگان صوفیه، اهل بیت (ع) و معتقد به شفاعت و واسطه گرفتن اولیاء الهی هستند. در پاسخ به سوال درباره دیدگاه آن‌ها نسبت به مذهب و پیروان تشیع و حکومت جمهوری اسلامی ایران، تقریباً هیچ یک از مصاحبه‌شوندگان نسبت به تشیع و جمهوری اسلامی ایران دیدگاه منفی نداشتند و تنها کمتر از ۱۰ درصد آن‌ها اعلام کردند که با توجه به عدم آگاهی و شناخت از ایران، قادر به اظهارنظر در خصوص این کشور نیستند. سایر پاسخ‌دهندگان ایران را در کنار ترکیه به عنوان دو جامعه اسلامی قابل احترام ذکر کردند (شماری از پیروان طرق صوفیه، شهریور ۱۳۹۵).

با هدف تکمیل داده‌های مطالعه میدانی، نظرات ۲۰ نفر از متخصصان دانشگاهی، مسئولان دولتی و شخصیت‌های رسانه‌ای الجزایر از طریق طراحی و ارسال پرسشنامه الکترونیکی حاوی پنج سوال، دریافت شد.

در این پرسشنامه‌ها، از جامعه آماری درباره میزان شناخت خود از تصوف و باورهای صوفیه سوال شد که در پاسخ، حدود ۱۵ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان اطلاعات خود درباره صوفیه را زیاد و خیلی زیاد و بیش از ۷۵ درصد اطلاعات خود را از صوفیه، کافی و قابل قبول دانستند. کمتر از ۱۰ درصد نیز اعلام کردند که

۱- یکی از مهم‌ترین مراقد صوفیان الجزایر است که با وجود تهدیدات مکرر سلفی‌ها، همچنان شاهد حضور قابل توجه گروه‌های مختلف مردمی است که برای تبرک‌جویی، توسل و شفا به آن مراجعه می‌کنند و لزوماً پیرو طریقت‌های صوفیه نیز نیستند.

شناختی از صوفیه و باورهای اهل تصوف ندارند.

در پاسخ به این سوال که آیا با اهل تصوف در ارتباط هستند و نوع ارتباط آنها چگونه است؟ کمی بیش از ۵ درصد پاسخ‌دهندگان، خود را مرتبط با یک طریقت صوفیه دانستند و بیش از ۱۵ درصد نیز گفتند که در طول سال، دست کم یک مرتبه در مراقد، زوایا و یا مساجد صوفیان حضور پیدا می‌کنند.

در پاسخ به سوال دیگری درباره اینکه چه دیدگاهی نسبت به تصوف دارند و آیا با حضور اجتماعی آنها موافق هستند یا خیر؟، بیش از ۸۰ درصد، عنوان کردند که دیدگاه خوب یا خیلی خوبی نسبت به صوفیه دارند و معتقدند که اهل تصوف می‌توانند به ایجاد آرامش در جامعه و کاهش تندروری‌ها و رفتارهای افراط‌گرایانه کمک کنند. حدود ۲۰ درصد نیز یا دیدگاه منفی نسبت به اهل تصوف داشتند و یا آنها را فاقد نقشی مهم در جامعه می‌دانستند و تأثیرگذاری آنها را ارزیابی نکردند.

درباره دیدگاه افراد نسبت به مذهب تشیع، ایران، عربستان سعودی و ترکیه نیز سوال شد که بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان، نگاه مثبتی به مذهب تشیع و جمهوری اسلامی ایران داشتند، کمتر از ۱۵ درصد پاسخ‌دهندگان، دیدگاه منفی نسبت به تشیع داشته و ایران را مروج تشیع و در تلاش برای آسیب به ارزش‌های اهل سنت دانستند و سایر پاسخ‌دهندگان نیز نسبت به تشیع و ایران ابراز بی‌تفاوتی کردند. در عین حال، تقریباً همه پاسخ‌دهندگان دیدگاه مثبتی نسبت به ترکیه داشتند و آن را به عنوان مهم‌ترین کشور اسلامی معرفی و از حضور در الجزایر حمایت کردند. بیش از ۵۰ درصد پاسخ‌دهندگان نسبت به عربستان دیدگاه منفی داشتند و فعالیت‌های سعودی در الجزایر را یکی از عوامل اصلی بروز بی‌ثباتی و افراط‌گرایی در کشور خود می‌دانستند. حدود ۲۰ درصد، نسبت به عربستان ابراز بی‌تفاوتی کردند و سایر پاسخ‌دهندگان نیز دیدگاه نسبتاً مثبت یا کاملاً مثبت نسبت به عربستان داشتند.

در سوال پنجم از جامعه آماری خواسته شد که در صورتی که دیدگاه مثبتی نسبت به نظام جمهوری اسلامی دارند، علت یا علل این نگاه مثبت را اعلام کنند؛ در

پاسخ، به ترتیب، حمایت ایران از مردم فلسطین؛ سابقه انقلاب اسلامی و مبارزه علیه قدرت‌های استعمارگر؛ استقلال ایران به عنوان کشور اسلامی و تجربه مقاومت در برابر تحریم‌ها؛ و پیشرفت علمی و اقتصادی در عین حفظ عناصر اسلامی در ایران را چهار علل اصلی نگاه مثبت به نظام جمهوری اسلامی ایران عنوان کردند. قابل ذکر است که مسئله فلسطین در الجزایر از اهمیت بالایی برخوردار است و حمایت گسترده مردم این کشور از فلسطین در تمامی حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و حتی ورزشی مشهود است.

#### ۴- تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

دولت الجزایر در چند دهه اخیر تلاش کرده است تا برای مقابله با گسترش تفکر سلفی‌گری، تصوف را در جامعه نشر دهد و از آن به عنوان یکی از ابزارهای مقابله با تروریسم در راستای همکاری با آمریکا و اروپا بهره گیرد. شبکه‌های تصوف و به خصوص زوایای صوفیه نیز در مقابل، در مناطق روستایی به مشروعیت‌سازی برای سیاست‌های دولت و تشویق مردم به مشارکت در انتخابات کمک می‌کنند. عبدالعزیز بوتفلیقه در صدد بود تا با جلب همکاری طریقت‌های صوفی، به خصوص طریقت تیجانیه، بر جریان دینی کشور مسلط باشد. تیجانیه نیز از جمله حامیان حزب بوتفلیقه یعنی جبهه آزادی‌بخش ملی است. حمایت‌های دولتی از تصوف، در برخی موارد نتیجه عکس داشته و موجب شد تا جوانان الجزایری با وجود دیدگاه مثبت نسبت به تصوف و اندیشه‌های آن، تمایل چندانی به حضور و مشارکت در طریقت‌های صوفیه و برنامه‌های آن‌ها نداشته باشند و احزاب سیاسی اسلام‌گرا نیز نسبت به صوفیه بدبین شوند. دولت الجزایر از تصوف برای دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود نیز بهره می‌گیرد و با تشکیل «مجمع علمای ساحل» کوشید از مراکش در رقابت برای گسترش نفوذ در منطقه ساحل، پیشی گیرد.

یکی از مهمترین مولفه‌ها برای تصمیم‌گیری درباره نوع رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی در قبال تصوف در الجزایر، توجه به نوع نگاه دولت و گروه‌های مختلف مردمی در این کشور به اهل تصوف و همچنین نوع نگاه اهل

تصوف به دولت است. طریقت‌های صوفیه در قرن نوزدهم میلادی از گروه‌های پیشرو در مقابله با قدرت‌های استعماری در شمال آفریقا بودند. این طریقت‌ها، در دوران پسااستعماری، سیاست‌های مختلفی را در مواجهه با دولت‌های محلی در پیش گرفتند. برخی با دولت‌های جدید همکاری کردند و حتی اجازه دادند که منافع کشور، تعریف کننده تصوف باشد و برخی نیز به مخالفت با حاکمان جدید پرداختند. تفاوت رفتار طریقت‌های تصوف در حوزه سیاسی شاید ناشی از ابهامات فراوان در حوزه اعتقادی صوفیه باشد. صوفیه دستورالعمل مشخصی درباره چگونگی مواجهه با حاکمان ندارد، مگر توصیه‌های مبهم و غیردقیقی درباره خودداری از همراه شدن با حاکمان که اگرچه توصیه‌ای ایده‌آلیستی است اما سابقه تاریخی تصوف نشان داده است که در عمل چندان امکان‌پذیر نیست. صوفیه در اختیار داشتن حوزه سیاسی را امری لازم برای تحقق جامعه اسلامی نمی‌داند ( Raudvere, 2009: 15).

در دوران پس از استعمار، دولت الجزایر به تدریج دو سیاست کاملاً متناقض را در قبال طریقت‌های صوفیه در پیش گرفت؛ در ابتدا تصوف را تهدیدی برای نظم سیاسی و اجتماعی خود می‌دانست و اقدام به سرکوب کرد. هواری بومدین، رئیس‌جمهور الجزایر در فاصله سال‌های ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۸ میلادی، تصوف را تهدیدی علیه انسجام و گفتمان ملی می‌دانست و در دهه ۷۰ میلادی کوشید تا نفوذ تصوف در الجزایر را مهار کند. لذا الجزایر شروع به سرکوب سیاسی و اقتصادی صوفیان و زوایای آنها کرد. در ادامه، دولت بعدی این کشور برای مقابله با تهدیدات جدیدتر و به خصوص رشد عقاید افراطی ناشی از وهابیت و سلفی‌ها، تصمیم گرفتند تا بار دیگر تصوف را ترویج و از آن علیه نفوذ وهابیت بهره گیرند. طریقت‌های صوفیه در برخی نواحی محلی در الجزایر یک ابزار سیاسی موثر در دست دولت است.

مولفه دیگر، دیدگاه شیعه و مبانی فقهی درباره تصوف به معنای اعم آن است. از نظر فقهی، گروهی از فقها و علمای شیعه برخی باورها و اعمال صوفیه را مغایر با

اصول اسلامی می‌دانند و گروهی دیگر نیز تصوف را به دو دسته خوب و بد تقسیم می‌کنند و معتقدند که برخی طریقت‌های صوفیه، فاقد جنبه‌های الحادی مورد انتقاد علمای گروه اول هستند. ملاصدرا با وجود اینکه به مجالس رقص و سماع صوفیان می‌تازد اما از برخی عقاید آنها همچون نظریه «وحدت وجود» ابن عربی دفاع کرده است. علامه مجلسی نیز مطالبی در رد و تأیید صوفیه دارد و میان صوفیه‌ای که بدعتی مرتکب نشده و صوفی‌هایی که بدعت در دین آورده‌اند، قائل به تفاوت است. چنین شرایطی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در مواجهه با اهل تصوف دچار تردید می‌کند. تردیدی که در تعامل با اهل سنت و حتی غیرمسلمانان نیز کمرنگ‌تر دیده می‌شود. زیرا موضع فقهی و رسمی در خصوص این گروه‌های دینی و مذهبی روشن است.

لذا در ارتباط با شیوه مواجهه ایران با گروه‌های صوفیه در الجزایر، دشوار است بتوان سیاست یا راهبرد اجتماعی را تعریف کرد که به واسطه آن از حضور سازمان‌های صوفیه برای بسط نفوذ و پیشبرد دیپلماسی جمهوری اسلامی در این کشور بهره گرفت؛ چون احتمالاً نزدیکی به گروه‌های صوفیه بهانه لازم را برای طرح اتهام مداخله مذهبی ایران در این کشور فراهم خواهد کرد. در واقع، اگرچه روابط ایران و الجزایر از ابتدا تاکنون، عمدتاً دوستانه و به دور از تنش‌های جدی بوده اما الجزایر نسبت به جمعیت شیعه خود و روابط آن‌ها با ایران حساس است. محمد آسا، وزارت امور مذهبی و وقف الجزایر تاکید کرده بود که «الجزایر نمی‌تواند میزبان جنگ فرقه‌ای باشد. احمدیسم، تشیع، وهابیت و دیگر فرقه‌ها را نمی‌پذیرد؛ آنها نوع دیگری از استعمار و بیگانه با میراث مذهبی الجزایر هستند» (Les DEBATS, 2016: 3).

با وجود این، طبق مطالعه انجام شده، برخی از گروه‌های موجود در طریقت‌های قادریه، تیجانیه و بالقایدیه در جنوب الجزایر که مهم‌ترین و پرنفوذترین گروه‌های اهل تصوف در این کشور هستند، دیدگاهی کاملاً مثبت نسبت به نظام جمهوری اسلامی ایران دارند و می‌توان با رعایت ملاحظات سیاسی و دیپلماتیک و

به دور از ایجاد حساسیت‌های مذهبی و حکومتی و با هدف تقویت روابط با دولت الجزایر در ابعاد مختلف، ارتباط و تعاملاتی را از مسیر دولت با این گروه‌ها برقرار کرد. به عبارت دیگر، با در نظر گرفتن دیدگاه مثبت جامعه الجزایر نسبت به اهل تصوف و توان نقش‌آفرینی صوفیان در این کشور و همچنین نگاه مثبت برخی از گروه‌های صوفیه نسبت به ایران، به نظر می‌رسد الجزایر بستر لازم برای بهره‌گیری ایران از برقراری رابطه با اهل تصوف را دارد. در این راستا، پذیرش دانشجویان و طلاب صوفیه در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه ایران، مشارکت گروه‌های هنری و موسیقی ایرانی در جشنواره‌ها و برنامه‌های فرهنگی - هنری اهل تصوف الجزایر، حضور شخصیت‌های فرهنگی ایرانی در جشن‌های مذهبی اهل تصوف الجزایر و تأکید بر موضوع حمایت ایران از فلسطین از طریق ایجاد پوشش‌های مرتبط در الجزایر و... می‌تواند به عنوان راهکارهایی برای رابطه با اهل تصوف الجزایر با کمترین احتمال ایجاد حساسیت‌های مذهبی، ارائه شود.

برای این منظور باید به زوایا و طرق مختلف اهل تصوف که در مناطق جنوبی الجزایر هستند توجه ویژه‌ای کرد. این گروه‌ها هر چند در بخش‌های شمالی و مناصب مهم سیاسی و اقتصادی الجزایر حضور ندارند اما دیدگاه مثبت آنها به نسبت اهل بیت (ع) و نظام جمهوری اسلامی ایران از یک سو و اهمیت تقویت آنها برای جلوگیری از گسترش افراطی‌گری‌های سلفی در الجزایر، توجه ویژه به آنها را ضروری می‌سازد.

### قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌داند تا از حمایت‌های دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه و مرکز مطالعات آفریقا (دانشگاه تربیت مدرس) کمال تشکر و قدردانی را داشته باشند.

## فهرست منابع

### منابع فارسی

۱. شماری از پیروان طرق صوفیه در مسجد و مرقد «عبدالرحمان الثعالی» در الجزیره پایتخت الجزایر (شهریور ۱۳۹۵)، گفتگوی حضوری.
۲. شیخ عبدالله بن مولی الحسن الرقانی، امام زاویه «الزینیه» الجزایر (شهریور ۱۳۹۵)، گفتگوی حضوری.
۳. عمیدزنجانی عباسعلی (۱۳۴۶)، *تحقیق و بررسی در تاریخ تصوف*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴. مجیدی سورکی علی (۱۳۷۵)، *الجزایر*، چاپ اول، تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
۵. مطهری مرتضی (۱۳۷۸)، *آشنایی با علوم اسلامی ۲*، تهران: صدرا.

### منابع انگلیسی

1. International Business Publications (ibpus) (2019), Algeria: Doing Business, Investing in Algeria Guide Volume 1 Strategic, Practical Information, Regulations, Contacts, Washington DC: International Business Publications USA.
2. Chikhi Lamine (2009), RPT-FEATURE-Algeria sponsors Sufism to fight extremism, Reuters, 8 July. Retrieved from: <https://www.reuters.com/article/algeria-islam-violence-idAFL721135820090708>
3. Khemissi Hamidi, René Larémont Ricardo & Taj Eddine Taybi (2012) "*Sufism, Salafism and state policy towards religion in Algeria: a survey of Algerian youth*", The Journal of North African Studies, 17:3, 547-558. DOI: 10.1080/13629387.2012.675703
4. Muedini Fait (2012), "*The Promotion of Sufism in the Politics of Algeria and Morocco*", Islamic Africa, 3 (2), 201-226. Retrieved from: [www.jstor.org/stable/42636202](http://www.jstor.org/stable/42636202)
5. Andezian Sossie (2002), The Significance of Sufism in Algeria in the Aftermath of Independence, Religious Studies Unit 2002, PASSIA, Thursday, December 12. Retrieved from: <http://www.passia.org/meetings/rsunit/2002/Sufism-minutes3.htm>
6. Sakthivel Vish (2017), Political Islam in Post-Conflict Algeria, Hudson Institute, 2 November. Retrieved from:

<https://www.hudson.org/research/13934-political-islam-in-post-conflict-algeria>

7. Sakthivel Vish (2016), The Flawed Hope of Sufi Promotion in North Africa, Foreign Policy Research Institute, Philadelphia 19 December 2016. Retrieved March 02, 2018 from: <http://www.fpri.org/article/2016/12/flawed-hope-sufi-promotion-north-africa/>

8. Raudvere Catharina (2009), *Sufism Today: Heritage and Tradition in the Global Community*, London: I.B. Tauris & Co. Ltd.

9. World Population Review, Algeria Population (2019-06-11). Retrieved 2019-12-29, from: <http://worldpopulationreview.com/countries/algeria/>

### منابع فرانسوی

1. Les DEBATS (2016), Mohamed Aïssa plaide pour le retour au referent religieux national «L'Algérie ne veut ni chiisme, ni wahabisme», N° 1634, Jeudi 16 juin 2016. Récupéré de: <https://www.lesdebats.com/editions/160616/Les%20debats.pdf>